فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی شماره ۸۹
سال بیست و هفتم، بهار ۱۳۹۸، صفحه ۳۲۹-۲۹۹

بررسی روش‌های تأمین‌مالی مشارکتی در بانکداری اسلامی در چارچوب تحلیلی ساختار- رفتار-عملکرد (SCP)

پرستو محمدی
استادیار گروه سیستم‌های اقتصادی- اجتماعی دانشگاه تربیت مدرس
p.mohammadi@modares.ac.ir

یکی از دغدغه‌های برخی از صاحب‌نظران حوزه مالی اسلامی انطباق خدمات بانکی با اصول شرعی است. این نگرانی در خصوص عقود مشارکتی که دارای پیچیدگی‌های بیشتری به ویژه در تقسیم سود و زیان است، دو چندان می‌شود. پژوهشگران چندی به مطالعه و تحقیق در این موضوع پرداخته‌اند و راهکارهایی برای رفع آن پیشنهاد داده‌اند. هدف اصلی این پژوهش بررسی امکان‌پذیری و نحوه اثر به کارگیری این راهکارهاست. در واقع به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که با توجه به فضای محیطی و توان عملیاتی نظام بانکی کشور مناسب‌ترین راهکار چیست. به این منظور در چارچوب روش تحقیق اسنادی-تحلیلی از پارادایم ساختار-رفتار-عملکرد (SCP) بهره گرفته‌ایم. جمع‌بندی تحلیل‌های این پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به محدودیت‌های موجود استفاده از مکانیسم‌های انگیزشی در قرارداد یا تدوین قراردادهای تسهیلات مشارکتی انگیزه سازگاری که بتواند منافع تسهیلات گیرنده را تأمین نماید و با برخورداری از مکانیسم خود کنترلی در توان اجرایی بانک صرفه‌جویی نماید، می‌تواند هزینه‌های نظارتی بانک را کاهش داده و در بلندمدت فضای مشارکتی بین تسهیلات گیرنده و بانک را به سمت اعتماد، صداقت و شفافیت در تقسیم سود و زیان هدایت کند.

طبقه‌بندی JEL: G21، G28
واژگان کلیدی: بانکداری اسلامی، تأمین‌مالی مشارکتی، چالش‌های بانکداری اسلامی، پارادایم ساختار-رفتار-عملکرد (SCP)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۴

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

۱. مقدمه

با وجود آنکه از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا بیش از ۳۵ سال می‌گذرد، اما هنوز پیاده‌سازی اصولی این قانون با چالش‌های بسیاری در نظام بانکی کشور روبرو است. شناسایی رویه‌ها و الگوهای مطلوب تأمین‌مالی مشارکتی در نظام بانکی نیازمند یک دیدگاه چندجانبه نگر است تا ضمن آنکه شرایط محیطی، بستر ساختاری و سازوکارهای عملیاتی را در نظر می‌گیرد، بتواند الگوهای اصلاحی سازگار با محدودیت‌های موجود را شناسایی نماید. به این منظور مطالعه حاضر برای شناخت ماهیت صنعت بانکداری در ایران و بررسی و تحلیل روش‌ها و راهکارهای پیشنهادی برای اصلاح عملکردی تسهیلات مشارکتی از رهیافت ساختار–رفتار–عملکرد (SCP) بهره گرفته است.

تمرکز این پژوهش در بخش خدمات بانکی بر تسهیلات مشارکتی یا عقد شرکت است و این تمرکز از آن جهت است که عقود مشارکتی وجه مشخصه بانکداری اسلامی است و به اعتقاد برخی از صاحب نظران این حوزه، مشارکت را می‌توان اساس بانکداری اسلامی دانست و سایر عقود به عنوان عقود کمکی قلمداد می‌شوند. شاید به همین علت باشد که بانکداری اسلامی در دنیا به بانکداری از نوع مشارکت در سود و زیان[1] معروف شده است(توتونچیان، ۱۳۷۹).

این مقاله در هفت بخش به شرح ذیل ارائه می‌شود. در بخش اول مفهوم عقد شرکت و ویژگی‌های خاص آن بیان می‌شود. در بخش دوم ساز و کارهای تأمین‌مالی مشارکتی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط به کار رفته در برخی کشورهای اسلامی را بیان می‌کنیم. در بخش سوم مروری داریم بر مطالعات پیشین در حوزه روش‌های پیشنهادی محققان برای بهبود و اصلاح مشکلات پیاده‌سازی و یا توسعه به کارگیری تأمین‌مالی مشارکتی در نظام بانکی کشور. در بخش چهارم به بیان مزایا و معایب این روش‌ها می‌پردازیم. در بخش پنجم پارادایم

1. Profit & loss Sharing (PLS)

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

ساختار–رفتار–عملکرد (SCP) را معرفی نموده و جریان اثر بخش در صنعت بانکی کشور را در قالب این پارادایم شناسایی می‌نماییم. سپس اثر به کارگیری هر یک از روش‌های پیشنهادی تأمین‌مالی مشارکتی را در چارچوب پارادایم (SCP) تحلیل می‌نماییم. در بخش ششم این مقاله امکان به‌کارگیری این روش‌ها را در چارچوب زمانی بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت با توجه به شرایط محیطی و توانمندی‌های مورد نیاز می‌سنجیم. در نهایت در بخش هفتم مقاله جمع‌بندی و نتیجه‌گیری تحلیل‌ها را ارائه می‌دهیم.

۲. مفهوم شرکت و وجه امتیاز عقود مشارکتی

شرکت عبارت است از این که یک چیز برای دو نفر یا بیشتر باشد و آن یا در عین است یا دِین، یا منفعت، یا حق (امام خمینی،۱۳۶۷). از میان انواع مختلف شرکت یعنی شرکت اعمال یا ابدان، شرکت وجوه، شرکت مفاوضه و شرکت العنان فقط آخرین مورد نزد فقهای شیعه معتبر است. شرکت العنان به معنی تساوی دو شریک در داشتن حق فسخ، تصرف و سود بردن به اندازه سرمایه است. موضوع شرکت می‌تواند عین، منفعت یا حق باشد یا از یکی از چهار سبب شرکت (ارث، عقد، حیازت، مخلوط شدن دو مال) به‌وجود آمده باشد. این نوع شرکت نزد شیعه و سنی معتبر است (شهید ثانی، ۱۳۸۸).

منظور از تأمین‌مالی مشارکتی در بانکداری اسلامی در این پژوهش، عقد (قرارداد) شرکت است (از نوع شرکت العنان) که فی مابین طرفین قرارداد یعنی تسهیلات گیرنده و تسهیلات دهنده بسته می‌شود و به موجب آن طرفین در سود و زیان فعالیت اقتصادی شریک می‌شوند. وجه غالب در مفهوم مشارکت اقتصادی در این پژوهش بیشتر فعالیت تولیدی و احداث می‌باشد.

"اصل مشارکت انعطاف خاصی به نظام بانکداری اسلامی می‌دهد که بانکداری را به صورت یکی از اجزای ضروری و درون‌زای[1] سیستم اقتصادی و حتی قلب سیستم در می‌آورد در آن مکانیزم‌هایی تعبیه شده است که اقتصاد جامعه را از شرایط رکودی رهایی بخشیده و به ساحل

1. Integral Part

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

نجات راهنمایی می‌نماید. زیرا که بانک در این سیستم واسطه تأمین سرمایه سهام[1] به واحدهای تولیدی می‌باشد و از طریق مشارکت مستقیم بر نحوه به کارگیری سرمایه‌های تزریق شده از طریق نظام بانکی به جامعه نظارت و کنترل دارد" (توتونچیان، ۱۳۷۹).

اگر چه به کارگیری عقود مشارکتی هزینه‌های نظارتی را به بانک تحمیل می‌کند، اما از طرفی به‌کارگیری این عقود تضمین کننده رشد مداوم و اطمینان بخش اقتصاد است. در واقع، تسهیم ریسک و سود و زیان در عقود مشارکتی همانند یک تعدیل کننده مالی در نوسانات اقتصادی عمل می کند. به طوری که در دوران رونق و رکود هر دو طرف تسهیلات دهنده و تسهیلات گیرنده به نسبت سرمایه‌شان از نوسانات اقتصادی سهم می‌برند. با توجه به آثار مثبت این شیوه تأمین‌مالی، در صورت به کارگیری اصولی آن، حافظ ارزش منابع بانک خاصه در شرایط تورمی نیز خواهد بود.

۳. ساز و کارهای کشورهای اسلامی برای تأمین‌مالی مشارکتی با بنگاه‌های کوچک و متوسط

در مطالعه Rostom (2015) روش‌ها و مدل‌های تأمین‌مالی اسلامی که در کشورهای مصر، ترکیه، اردن، فلسطین اشغالی و اندونزی برای تأمین‌مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط (SME) به‌کارگرفته می‌شود، توضیح داده شده است. این مدل‌ها در ادامه به اختصار بیان می‌شوند.

در مصر، بانک بین المللی بازسازی و توسعه (IBRD) به سرمایه‌گذاری و ایجاد یک صندوق مشترک با بانک‌های تجاری اسلامی می‌پردازد. سپس مشارکت با سهم الشرکه مساوی میان صندوق تشکیل شده غیراسلامی و بانک اسلامی صورت می‌گیرد. این صندوق جدید، از طریق نهادهای واسط، به‌صورت مضاربه، مرابحه، اجاره و... اقدام به تأمین‌مالی برای SMEها می‌کند.

در ترکیه، صندوق توسعه اجتماعی (SFD) درچارچوب قرارداد وکالت با بانک توسعه صنعت ترکیه، به ارائه خدمات مالی اسلامی به بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌پردازد. در این

1. Equity - capital

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

مدل، بانک توسعه صنعت ترکیه از طریق انعقاد قرارداد وکالت به صندوق‌های واسط، اجازه فعالیت می‌دهد. همچنین بازپرداخت منابعی که در اختیار این صندوق‌های واسط است را برای سهامداران منابع اصلی، ضمانت می‌کند.

در اردن دسترسی SMEها به تسهیلات بانکی از طریق ضمانت نهاد واسط سوم با قرارداد کفالت رخ می‌دهد.

در غزه، برنامه ضمانت اعتباری ویژه SMEها به‌صورت زیر تبیین شده است. منابعی که به‌صورت هدایا از طریق صندوق‌های سرمایه‌گذاری (که به صورت صندوق تکافل ایجاد می‌شود) در اختیار صندوق‌های واسط قرار می‌گیرد و با محاسبه حق مدیریتی از آن، در اختیار SMEها قرار می‌گیرد.

در اندونزی، موسسه مالی بین المللی (IFC) برای تأمین‌مالی SMEها در یک صندوق مضاربه که توسط بانک اسلامی مایبانک اندونزی (BMSI) مدیریت می‌شود، سرمایه‌گذاری می‌کند. همچنین در مدلی دیگر که به منظور انجام فعالیت بین المللی است، فروشنده کالا، کالای خود را به بانک آلمان به عنوان نهاد واسط می‌فروشد. این بانک، کالا را به واسط تخصصی (اپراتور خصوصی اندونزی که نقش تضمین کننده را دارد) می‌فروشد تا به خریدار نهایی تحویل شود. همچنین با اطمینان از تأمین کالای مورد نیاز، هزینه انجام خدمات بر روی کالا نیز به مجری طرح پرداخت می‌شود(Rostom 2015).

در پاکستان، بانک SME در سال ۲۰۰۱ به عنوان یکی از بازساختاردهی‌های مالی دولت در پاکستان تاسیس شد. بانکداری اسلامی در پاکستان به SMEها از طریق مضاربه، مرابحه و اجاره، خدمات مالی ارائه می‌کند (Qureshi & Herani, 2011).

نکته بارز مدل‌های مطرح شده تأمین‌مالی اسلامی بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشورهای مصر، ترکیه، اردن، فلسطین اشغالی، اندونزی و پاکستان وجود حمایت مالی یک نهاد دولتی از تشکیل صندوقی با کمک بانک‌های تجاری اسلامی یا موسسات مالی خصوصی برای تأمین‌مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط است. نکته حائز اهمیت دیگر در این مدل‌ها حضور یک نهاد واسط سوم، برای تسهیل در امر تأمین‌مالی این بنگاه‌هاست. این نهاد سوم، که عمدتاً با نام «صندوق» فعالیت می‌نمایند، گاه ضمانت بازپرداخت تسهیلات به بنگاه‌ها را برعهده دارند و گاه در نقش

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

کفالت و یا وکالت، مدیریت قرارداد با بنگاه‌ها را برعهده دارند. البته تأمین‌مالی بنگاه‌ها لزوماً مشارکتی نیست و از سایر عقود اسلامی نظیر اجاره و مرابحه نیز استفاده می‌شود.

٤. راهکارهای پیشنهادی مطالعات داخلی در استفاده از عقود مشارکتی در بانک‌ها

وجود نارسایی‌های موجود در پیاده‌سازی اصولی بانکداری اسلامی به ویژه در عقود مشارکتی، نویسندگان داخلی را طی سال‌های گذشته برآن داشته است تا راهکارهای مختلفی برای جبران این کاستی‌ها ارائه دهند. این مطالعات به صورت زیر خلاصه شده‌اند:

احمدی حاجی آبادی و بهاروندی (۱۳۸۹) طی پژوهشی به راهکارهای اجرای صحیح عقدهای مشارکتی در نظام بانکی ایران پرداختند. در مطالعه آنها پیشنهاد شده است که عقدهای مشارکت محور در قالب بازار سرمایه پیگیری شود. در این بین موسسه‌های سرمایه‌گذاری در جایگاه یکی از نهادهای بازار سرمایه می‌تواند مناسب‌ترین نهاد برای اجرای این عقدها شمرده شوند. این موسسه‌ها بر خلاف بانک‌ها که نقش واسط پولی را در بازار پول ایفا می‌کنند، قادر هستند منابع پولی را از بازار پول دریافت و به بخش واقعی اقتصاد هدایت کنند. تشکیل صندوق‌های سرمایه‌گذاری وابسته به بانک‌ها و یا تشکیل صندوق‌های سرمایه‌گذاری مستقل از بانک‌ها دو راه پیشنهادی می‌باشد.

نظرپور و لطفی نیا (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی فرضیه‌ای پرداختند که در آن صندوق‌های پروژه محور می‌توانند طی سه مرحله بررسی تقاضا، نظارت و اجرا و حسابرسی و تسویه بانک‌ها را در اجرای صحیح تسهیلات مشارکتی یاری نمایند. صندوق‌های پروژه محور به عنوان یکی از نهادهای فعال در بازار سرمایه به دلیل درگیر بودن با بخش واقعی اقتصاد و حضور مستقیم در این بخش و همچنین داشتن ارکان تخصصی همچون ارزشیاب و حسابرس توانایی کمک به بانک‌ها برای اجرای صحیح تسهیلات مشارکتی را دارا می‌باشند.

شعبانی و سیفلو (۱۳۹۰) بانک داری وکالتی و مشارکتی را مقایسه نموده و در نهایت به ارائه راهکار جدید پرداختند که ضمن استفاده از مزایای الگوی مشارکتی، از معایب هر دو الگو مصون باشد. در واقع الگوی پیشنهادی دارای خمیر مایه اصلی مشارکت است که با استفاده از

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

نوآوری‌های اوراق بهادار انتقال پذیر تقویت شده است. بانک، سپرده‌گذاران و بازار ثانویه (اوراق بهادار انتقال پذیر) سه رکن اصلی این الگو هستند. در این الگو بانک اسلامی در ازای سپرده‌های سپرده‌گذاران، اوراق مشارکت صادر می‌کند. این اوراق خاصیت انتقال پذیری دارد. یعنی پس از انتشار اوراق مشارکت توسط بانک، دارندگان اوراق مشارکت (سپرده‌گذاران حساب‌های مشارکتی) می‌توانند آن را در بازار ثانویه خرید و فروش کنند. آن‌ها می‌توانند با توجه به عملکرد بانک صادر کننده اوراق و سود مورد انتظار طرح‌های بانک مذکور، سود اوراق خود را در هر لحظه دریافت کرده، اوراق را منتقل نمایند. بانک نیز منابع حاصل از انتشار اوراق مشارکت را در طرح‌های گوناگون سرمایه‌گذاری می‌کند. در پایان سر رسید، سود اوراق توسط بانک به دارندگان آن تحویل می‌شود.

نظر پور و کشاورزیان (۱۳۹۲) به ارائه مدلی برای نظام بانکی با محوریت بهره‌گیری از عقد مشارکت حقوقی با ویژگی کلیدی تحقق سود و زیان واقعی پرداختند. براساس نظر نویسندگان، مشکلات و موانع اجرای عقود مشارکتی (مضاربه – مشارکت مدنی) در نظام بانکی، عدم اصلاح آن در سه دهه اخیر، روند نزولی کیفیت انعقاد قراردادهای مشارکتی در دهه اخیر و... حاکی از چالش‌های اساسی در اجرای صحیح این عقود است و مشارکت حقوقی هیچ کدام از مشکلات مشارکت مدنی را ندارد.

موسویان (۱۳۹۰) در کتاب اصلاح قانون و الگوی عملیاتی بانکداری بدون ربا، الگوی جدیدی متشکل از چهار نوع بانک (قرض الحسنه، تجاری، تخصصی و توسعه‌ای و جامع) و چهار نوع موسسه اعتباری غیربانکی (مالی اعتباری، تعاونی اعتبار، لیزینگ و قرض الحسنه) با ماموریت‌های مختلف و روش‌های مناسب در عرصه تجهیز و تخصیص منابع پیشنهاد شده است. در این الگو می‌بایست بانک‌های تجاری و موسسه‌های اعتباری غیربانکی به تدریج سهم قراردادهای مشارکتی را کم کرده و روی قراردادهای مبادله‌ای متمرکز شوند. بانک‌های تخصصی با کاستن از سهم قراردادهای مبادله‌ای به عقدهای مشارکتی همت گمارند و بانک‌های جامع با برنامه‌ریزی دقیق حسابداری به سمت تفکیک بخش‌های سه گانه غیرانتفاعی، تجاری و تخصصی حرکت کنند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

نصر آبادی و شعبانی (۱۳۸۷) به چالش‌های بانک در اجرای قرارداد مشارکت در سود و زیان و راهکارهای آن پرداختند. در مطالعه ایشان برای اجرای صحیح قرارداد مشارکت و نیز برطرف کردن چالش‌های مذکور راهکارهای ارائه شده عبارت‌اند از:

- مشارکت کاهش یابنده (فروش تدریجی سهم بانک به متقاضی)
- قراردادهای تشویقی (تحریک متقاضی به تلاش بیشتر و ارائه گزارش صحیح سود و زیان)
- بیمه قراردادها
- در نظر گرفتن حساب ویژه برای زیان‌های احتمالی
- توزیع ریسک تسهیلات پرداختی و کاهش سهم سود بانک (برای مقابله با شوک‌های اقتصادی و دوران رکود)

میسمی و شهیدی نسب (۱۳۸۹) به بررسی تجربه تأمین‌مالی خرد اسلامی در کشور سریلانکا پرداختند و بر شیوه ارائه مرحله‌ای تأمین‌مالی خرد اسلامی به عنوان یکی از شیوه‌های موجود تمرکز می‌کند. در این روش موسسه تأمین‌مالی خرد اسلامی در مرحله اول با گروه‌های مشتریان، عقود مبادله‌ای (مانند مرابحه) منعقد کرده و پس از آنکه گروه موفقیت خود را در استفاده صحیح از منابع و همچنین تعهد خود به بازپرداخت وام دریافتی به موسسات اثبات کرد، در مرحله بعد مستحق دریافت وام براساس عقود مشارکتی می‌گردد.

بهاروندی و احمدی حاجی آبادی (۱۳۹۱) به خطر اخلاقی در عقود مشارکتی و ارائه الگویی کاربردی جهت کاهش آن پرداختند. به منظور کاهش خطر اخلاقی، مدل ساده و کاربردی حبیب احمد (۲۰۰۵) را که یک مکانیسم انگیزشی است، پیشنهاد داده‌اند. میزان جایزه یا تنبیه به تفاوت میزان سود واقعی پروژه بعد از بازرسی و میزان سود اعلامی بنگاه بستگی دارد.

توتونچیان (۱۳۷۹) برای حرکت به سمت اجرای صحیح بانکداری اسلامی به ویژه گسترش به‌کارگیری عقود مشارکتی در بانک‌ها راهکارهایی ارائه نموده است. موارد ذیل از کتاب ایشان قابل استخراج است:

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

- آغاز حرکت در یک مقیاس کوچک مثل بازکردن یک باجه در شعب بانکی کشور و یا در یک بانک در برخی از استان‌های کشور
- ایجاد سپرده‌های جدید تحت عنوان سپرده ممتاز و سپرده عادی
- مداخله شخص ثالث برای حسابرسی
- استفاده از کارگزاران مشاور
- ایجاد کمیته مشورتی بانکداری اسلامی
- نیاز فوری به دوائر نظارت و کنترل در بانک‌های کشور
- انگیزه و تشویق سرمایه‌گذاران برای مشارکت از طریق واگذاری سهام شرکت‌های تأمین‌مالی شده توسط بانک‌ها در بورس
- ایجاد انگیزه برای کارکنان در اجرای بهتر عقود از طریق سهیم کردن آنان در سود بانک

صفاریان طوسی و خدایی (۱۳۹۵) پیشنهادهایی به شرح ذیل جهت صحیح اجرا شدن عقد مشارکت مدنی در مقام عمل ارائه داده اند:

- آموزش مشتریان و کارکنان بانک
- اصلاح آیین نامه‌ها و حذف برخی محدودیت‌های موجود در پرداخت تسهیلات
- موضوع سنجی و بازار سنجی اولیه تولیدات و محصولات
- نظارت کارشناسانه در طول مدت قرارداد
- التزام به تقسیم سود مشارکت مدنی براساس سود محقق شده
- پذیرش ریسک زیان قراردادهای مشارکتی توسط بانک‌ها
- عدم تمدید تسهیلات مشارکت مدنی به روش‌های غیرشرعی
- انجام نظارت شرعی به صورت میدانی و الکترونیکی در زمینه رعایت موازین شرعی علاوه بر شیوه‌های معمول بازرسی بانک‌ها

با تعمق در مطالعات مطرح شده می‌توان گفت که برخی از راهکارها بیشتر ناظر بر *رفع موانع لجستیکی* اداره تسهیلات مشارکتی هستند. برخی دیگر بیشتر برای *سهولت در حسابرسی مالی* و تقسیم سود و زیان شکل گرفته است. بعضی دغدغه *عملکرد به دور از مسولیت گریزی*

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

تسهیلات‌گیرنده و تشویق او به عملکرد شفاف و اخلاقی را مد نظر داشته‌اند. برخی نیز استفاده از شیوه‌های انگیزشی، کنترلی و ساختاری را برای توانمند سازی بانک‌ها در اجرای عقود مشارکتی پیشنهاد می‌دهند.

۵. مزایا و معایب روش‌های تأمین‌مالی مشارکتی در بانک‌ها

در این بخش راهکارهای تأمین‌مالی مشارکتی که توسط محققان در دو بخش قبلی به آنها اشاره شد، به انضمام راهکارهایی که در این مقاله پیشنهاد شده‌اند را در سه دسته زیر طبقه بندی می‌نماییم و به بیان مزایا و معایب آنها می‌پردازیم:

۱. توسعه‌های قراردادی

۲. اصلاحات عملیاتی (تغییر در رویه‌ها و فرایندهای عملیاتی و ساز و کار اداری موجود)

۳. تغییرات بنیادی یا ساختاری در ارائه خدمات تأمین‌مالی مشارکتی

۵-۱. راهکارهای توسعه‌های قراردادی

منظور از توسعه‌های قراردادی به کارگیری قراردادهای انگیزه سازگاری است که انگیزه تسهیلات‌گیرنده برای مشارکت صحیح با بانک را بر می‌انگیزد. موارد ذیل در این دسته می‌گنجند:

الف) مشارکت متناقصه: مشارکت متناقصه یکی از شیوه‌های تأمین‌مالی مشارکتی است که به دلیل برآورده کردن انگیزه تسهیلات گیرنده و واگذاری مرحله به مرحله پروژه به تسهیلات گیرنده مسأله عدم تقارن اطلاعاتی و خطر اخلاقی تسهیلات گیرنده را به حداقل می‌رساند. از طرفی حسابداری و حسابرسی آن نیز به دلیل ماهیت عقد ساده می‌باشد. ضمن اینکه در شرایط تورمی به دلیل واگذاری مرحله‌ای مطابق با قیمت روز منافع بانک را در مقابل افزایش تورم حفظ می‌نماید.

ب) مشارکت حقوقی: یکی دیگر از عقود مشارکتی که مسأله ارزیابی، کنترل و حسابرسی آن به دشواری مشارکت مدنی نمی‌باشد، مشارکت حقوقی بانک با تسهیلات گیرنده است. اما از طرفی به‌کارگیری این نوع مشارکت در سطح وسیع برای بانک‌ها مقدور نمی‌باشد. چون نیازمند حضور یک نماینده متخصص از جانب بانک در هیات مدیره شرکت تأمین‌مالی شده به کمک بانک

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

می‌باشد و چنانچه قرار باشد تعداد این نوع تأمین‌مالی مشارکتی گسترش یابد، تأمین این نیروهای متخصص برای بانک و هم چنین نظارت بر عملکرد آنها از توان بانک خارج می‌گردد. بنابراین این نوع تأمین‌مالی می‌تواند برای پروژه‌ها و یا شرکت‌های بزرگ و در سطح محدود به بانک‌های متقاضی توصیه شود.

ج) تدوین قراردادهای انگیزه سازگار: آنچه که در قراردادهای تأمین‌مالی مشارکتی موجود عموماً دیده می‌شود که طبیعتاً با فضای ارائه این نوع خدمات تأمین‌مالی مشارکتی حال حاضر مطابقت دارد، نبود مکانیزم‌های انگیزشی و کنترلی ناظر بر حسن اجرای قرارداد مشارکت (به‌معنای واقعی مشارکت در سود و زیان) می‌باشد. این مکانیزم‌های انگیزشی و کنترلی می‌تواند هم از منظر شفافیت و صحت در ارائه حساب‌های مالی و هم از منظر مصرف منابع در قراردادهای تأمین‌مالی مشارکتی لحاظ شود. قابل توجه است که وجود بسترهای سیستم‌های اطلاعاتی لازم نظیر دسترسی بانک به سامانه مالیاتی وزارت اقتصاد و دارایی، و سامانه یکپارچه نظام بانکی و سامانه ارزیابی و اعتبار سنجی مشتریان بانکی برای اتخاذ رویکردهای انگیزشی در تنظیم قراردادهای تأمین‌مالی مشارکتی نقش حایز اهمیتی می‌یابد.

۵-۲. راهکارهای اصلاحات عملیاتی

منظور از اصلاحات عملیاتی تغییر در رویه‌ها و ساز و کارهای اداری موجود در عقود مشارکتی به نحوی است که انطباق عملیاتی آن را با اصول مورد انتظار از انجام مشارکت برآورده سازد. با توجه به کمبودهای لجستیکی بانک از نظر نیروی انسانی و تخصص‌های لازم در ارزیابی، نظارت و کنترل و حسابرسی پروژه‌های مشارکتی در میان مدت می‌توان از قابلیت‌ها و تخصص‌های خارج از بانک برای جبران این کاستی‌ها استفاده نمود. راهکارهای ذیل از جمله این موارد می‌باشند:

الف) برون سپاری نظارت بر قراردادهای مشارکتی: یکی از مشکلاتی که معمولاً برای به کارگیری تسهیلات مشارکتی عنوان می‌شود نیروی انسانی لازم برای نظارت بر حسن اجرای قرارداد می‌باشد. اگر بانک تمایلی به گسترش نیروی انسانی خود در حوزه نظارت بر پروژه‌ها را نداشته باشد می‌تواند از توانمندی‌های موجود در سازمان‌ها و نهادهای تخصصی مرتبط با موضوع

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

پروژه (مثلاً در احداث هتل‌ها از سازمان گردشگری، در احداث واحدهای صنعتی از نیروهای وزارت صنعت، معدن تجارت یا سازمان گسترش و...) و یا از شرکت‌های مشاوره استفاده نماید. البته استفاده از این راهکار ممکن است هزینه‌های نظارت را بر تسهیلات گیرنده تحمیل نماید. اما به کارگیری این روش نیازمند وجود توانمندی‌های مدیریتی لازم در بانک‌ها برای ارتباط، کنترل و اعتماد به ناظران خارجی می‌باشد.

ب) برون سپاری اعتبار سنجی مشتری و ارزیابی پروژه‌ها: در صورت کمبود نیروی انسانی متخصص در بانک‌ها برای ارزیابی پروژه‌ها و اعتبار سنجی متقاضیان تسهیلات مشارکتی و در صورت امکان واگذاری اطلاعات مربوطه به شرکت‌های مشاوره، بانک‌ها می‌توانند از توان تخصصی خارج از سازمان استفاده کنند. این نوع شرکت‌ها می‌توانند به صورت وابسته به بانک و با استفاده از نیروهای تخصصی بازنشسته بانکی و یا به صورت ایتلافی توسط بانک‌های مختلف احداث شوند. بدیهی است به کارگیری این شیوه نیاز به توانمندی‌های مدیریتی و ساز و کارهای انگیزشی، نظارتی و کنترلی بر عملکرد این شرکت‌ها از سوی بانک دارد.

ج) برون سپاری حسابرسی: یکی از دشواری‌های به کارگیری تسهیلات مشارکتی مسأله حسابرسی صورت‌های مالی تسهیلات گیرنده می‌باشد. در صورت نبود نیروی حسابرس کافی در بانک‌ها و یا عدم تمایل بانک‌ها برای توسعه منابع انسانی خود در این حوزه، انجام این فرایند می‌تواند به حسابرسان رسمی کشور واگذار شود. در این صورت هزینه این برون سپاری ممکن است بر تسهیلات گیرنده تحمیل شود. در صورتی که منابع تأمین‌مالی مشارکتی قابل توجه باشد این هزینه بار چندانی برای تسهیلات گیرنده محسوب نمی‌شود.

د) تفویض اختیار به واحدهای تسهیلات دهنده: پیچیدگی و ویژگی بعضی پروژه‌ها، قراردادهای مشارکتی خاصی را می‌طلبد. هم چنین مدیریت و نظارت کارآمد بر اجرای این قراردادها شیوه‌های تشویقی و کنترلی خاصی را برای کارشناسان بانکی مربوطه اقتضا می‌نماید. از این رو تفویض اختیار در برخی تصمیم‌گیری‌های مربوط به قراردادهای مشارکتی به گونه‌ای که تفویض اختیار به کارشناسان بانکی ذیربط با افزایش مسئولیت‌پذیری و افزایش پاداش دهی آنها

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

همراه باشد، می‌تواند منافع بانک و به تبع آن سپرده‌گذاران را بیشتر برآورد نماید. به کارگیری این شیوه در شعب خاصی از بانک که قبلاً کارآمدی اخلاق حرفه‌ای شان را به اثبات رسانده‌اند قابل اجراست. این راهکار دور از واقعیت نمی‌باشد. هم اکنون برخی از بانک‌ها شرکت‌های سرمایه‌گذاری تخصصی را برای مشارکت در پروژه‌های کلان ایجاد می‌نمایند به گونه‌ای که این شرکت‌ها از آزادی عمل بالایی در تصمیم‌گیری مشارکت سرمایه‌گذاری در پروژه‌های عمرانی برخوردارند و حداکثر تلاش خود را برای کسب حداکثر منافع از منابع در اختیارشان به‌کار می‌گیرند، زیرا تأمین منافعشان در گرو عملکرد مدیریتی و عملیاتی شان می‌باشد.

هـ) به کارگیری ناظر ذی‌نفع (شرکت‌های سرمایه‌گذاری وابسته و یا مستقل از بانک‌ها): از عمده مشکلات اجرایی عقود مشارکتی، مسأله عدم تقارن اطلاعاتی و نظارت و مدیریت بر وجوه مالی پروژه می‌باشد. یکی از راهکارها برای رفع این مشکل قراردادن ناظری از سوی بانک بر پروژه می‌باشد که این ناظر خود در تأمین آورده (سرمایه) پروژه سهم محدودی دارد. تعیین محدوده این سهم بر عهده بانک می‌باشد. ناظر ذی‌نفع می‌تواند یکی از شرکت‌های سرمایه‌گذاری وابسته به بانک و یا مستقل از بانک باشد. سامانه رتبه‌بندی و امتیازدهی به شرکت‌های ناظر می‌تواند در بلند مدت بر حسن اجرای بهتر قراردادهای مشارکتی کمک نماید. حسن این راهکار صرفه‌جویی در منابع انسانی و هزینه‌های نظارتی بانک می‌باشد. از طرفی لازمه به‌کارگیری آن وجود ناظران معتبر می‌باشد. در کشورهای با سرمایه اجتماعی بالا و وجود سامانه‌های امتیازدهی به ناظران این راهکار می‌تواند برای تسهیلات گیرندگان حقیقی نیز به کار رود. مثلاً در قراردادهای مشارکتی احداث ساختمان یکی از شرکا می‌تواند به عنوان ناظر بانک مسئولیت حسن اجرای قرارداد را بر عهده داشته باشد و عملکردش در سامانه امتیازدهی ناظران ثبت گردد. پاداش‌ها و امتیازات مادی و غیرمادی (مثلاً امکان استفاده از خدمات بانکی خاص) برای ناظران براساس امتیازشان تاثیر بسزایی در خودکنترلی ناظران خواهد داشت.

و) استفاده از صندوق‌های پروژه محور: یکی از راهکارهای پیشنهادی برای شفافیت در حسابهای مالی تأمین‌مالی مشارکتی و سهولت در تقسیم سود و زیان استفاده از صندوق‌های پروژه

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

محور است. این شیوه در بازار بورس تهران تجربه شده است اما به کارگیری از روش بازارگردانی، ارزش اوراق منتشر شده توسط این صندوق‌ها را غیرواقعی می‌نماید.

ز) استفاده از صندوق کفالت برای مدیریت کامل پروژه: در برخی از کشورهای اسلامی در تأمین‌مالی اسلامی پروژه‌ها نهادی تحت عنوان صندوق کفالت از سوی بانک، مدیریت قرارداد یا مدیریت پروژه را برعهده می‌گیرد. این راهکار می‌تواند صرفه‌جویی در منابع انسانی و هزینه‌های نظارتی بانک را سبب شود.

۵-۳. راهکارهای تغییرات بنیادی

در دسته تغییرات بنیادی ممکن است نقش بانک از شیوه سنتی خود به شیوه‌های غیرمتعارف تغییر نماید. موارد ذیل از آن جمله هستند که قاعدتا در بلندمدت می‌توانند کاربرد داشته باشند:

الف) به کارگیری پایگاه‌های داده برای نقش تسهیل‌گری ارتباطی: براساس این راهکار بانک به عنوان یک رابط بین تسهیلات گیرنده و سپرده‌گذار ایفای نقش می‌نماید. لازمه این راهکار وجود یک پایگاه اطلاعاتی از متقاضیان تسهیلات و سرمایه‌گذاران بالقوه و ریسک و بازده پروژه‌ها و هم چنین ایجاد نهادهای حقوقی مرتبط می‌باشد. به عبارتی بانک وظیفه معرفی پروژه‌های نیازمند به سرمایه‌گذار را به سرمایه‌گذاران بالقوه بر عهده می‌گیرد ولی خود نقشی در سرمایه‌گذاری و یا مدیریت پروژه بر عهده ندارد. اما ممکن است ضمانت سرمایه‌گذاری در پروژه را بر عهده داشته باشد.

ب) تأمین‌مالی زنجیره تأمین: یکی از راهکارهای دیگر تأمین‌مالی زنجیره تأمین و یا مدیریت مالی زنجیره تأمین صنایع مختلف می‌باشد. در اینجا بانک وظیفه اتصال سطوح مختلف زنجیره تأمین به صنعت از تأمین کنندگان مواد، تولید کنندگان و عرضه کنندگان به بازار را از طریق مدیریت مالی امور آن‌ها بر عهده می‌گیرد. این شیوه اکنون توسط برخی از شرکت‌های مالی بزرگ در دنیا و توسط نرم افزارهای حسابداری خاص در حال انجام است. حسن این روش کاهش حجم متقاضیان تسهیلات در زنجیره تأمین مورد حمایت می‌باشد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

ج) تأمین‌مالی خوشه‌های صنعتی: راهکار تأمین‌مالی خوشه‌های صنعتی که شامل تولید کنندگان یک کالای خاص می‌باشد می‌تواند از دیگر راهکارهای گسترش مشارکت محسوب شود به گونه‌ای که بانک وظیفه اشتراک مالی اعضای یک خوشه را در انجام یک پروژه بزرگ تولیدی بر عهده بگیرد . این پروژه می‌تواند توسعه بازار صادراتی یک خوشه صنعتی و یا ایجاد یک مرکز تحقیق و توسعه مشترک بین اعضای خوشه و بانک مشارکت کننده باشد . حسن این روش امکان انجام فعالیت‌های بزرگ از طریق مشارکت بانک با اعضای خوشه در تسهیم ریسک و تأمین‌مالی پروژه می‌باشد .

د) ایجاد صندوق‌های مشترک با اتحادیه‌ها و اصناف: این راهکار برگرفته از طرح قانون «یک فوریت» عملیات بانکی بدون ربا مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۴) است که به موجب آن سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی با استفاده از عقود مشارکتی توسط موسسات تخصصی مشاوره و تأمین‌مالی صورت می‌گیرد. در این طرح بانک‌ها از انجام عقود مشارکتی منع می‌شدند و صرفا می‌توانستند در موسسات تخصصی مشاوره و تأمین‌مالی سهام داشته باشند. در نتیجه کار بنگاه‌داری از فعالیت‌های بانکی جدا می‌شد و تأمین سرمایه برای فعالیت‌های تولیدی توسط این موسسات انجام می‌گرفت که سهامداران آن اعضای یک صنف یا فعالیت تولیدی بودند.

اگر چه این ایده در سطح طرح باقی ماند، اما ما از این راهکار با عنوان ایجاد صندوق مشترک بانک با اتحادیه‌های صنفی یاد می‌کنیم که وظیفه اصلی این صندوق رفع نیازهای مالی اعضای اتحادیه به ویژه از طریق مشارکت است. بنابر این بخشی از منابع از طریق بانک و بخشی از طریق اعضای اتحادیه تأمین می‌شود. کاهش مسأله عدم تقارن اطلاعاتی بین بانک و تسهیلات گیرنده و هم چنین امکان نظارت بهتر بر مصرف منابع از طریق اتحادیه‌ها از محسنات این روش ذکر می‌شود. اما اینکه بانک‌ها در چه شرایطی مایل به چنین مشارکتی هستند جای تامل دارد. بدیهی است نرخ بازدهی بالای صنف مورد نظر و ساز و کارهای حقوقی لازم برای اطمینان از نبود فساد مالی در صندوق مورد بحث و امکان شفافیت و نظارت مالی بالا از جمله شرایط پیش نیاز بانک‌ها برای انجام چنین مشارکت‌هایی است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

٦. به کارگیری چارچوب تحلیلی ساختار-رفتار-عملکرد (SCP)

چارچوب تحلیلی SCP عمدتا برای تبیین روابط بین شرایط (بستر محیطی)، ساختار، رفتار و عملکرد صنعت به کار می‌رود. نقطه آغاز این چارچوب تحلیلی، ساختار صنعت و راهبردهای رفتاری بنگاه‌ها است که عملکرد صنعت مزبور را مشخص می‌نماید. عملکردها می‌توانند به طرق مختلفی اندازه‌گیری شوند که در بحث ما می‌تواند مسأله صوری سازی قراردادها، وجود مطالبات معوق، کارایی در تخصیص منابع، شفافیت صورت‌های مالی، کارایی در تجهیز منابع و میزان سودآوری بانک‌ها مد نظر باشد. این عملکردها وابسته به رفتار بنگاه‌ها نیز هستند و به عبارتی سیاست‌های مختلف تجهیز و تخصیص منابع، سیاست‌های تبلیغاتی، تحقیق و توسعه بانک‌ها، استفاده از فناوری اطلاعات و تکنولوژی‌های نوین می‌تواند تبیین کننده عملکرد بانک‌ها باشد.

از طرفی، به کارگیری شیوه‌های جدید مدیریتی چه در بخش عملیاتی و چه در بخش ارائه خدمات و تجهیز و تخصیص منابع و همچنین به کارگیری دانش تحلیل داده‌های کلان مشتریان و بخش بندی سپرده‌گذاران و تسهیلات گیرندگان و ارائه خدمات بانکی متناسب با نیاز هر بخش از مشتریان می‌تواند عملکرد یک بانک را از بانک‌ها دیگر متمایز کند.

اما این رفتارها به سهم خود به ساختار صنعت نیز بستگی دارد. یعنی میزان دولتی بودن بانک‌ها، درجه تمرکز صنعت بانکی، وجود یا عدم وجود موانع ورود، امکان تمایز محصولات و خدمات بانکی، ساختار هزینه‌های عملیاتی بانک‌ها، درجه تنوع و یکپارچگی فعالیت‌های بانک متفاوت است. علاوه بر این می‌توان به تاثیر شرایط عرضه خدمات بانکی نظیر به کارگیری تکنولوژی ATM و افزایش اتوماسیون بانکی، ایجاد شعبه‌های تمام خودکار (بدون نیاز به پرسنل بانکی) و دیجیتالی شدن خدمات بانکی (بانک همه جا و هرزمان در دسترس)، عمل در چاچوب استانداردهای جهانی مانند بازل ۳، گسترش نیاز به تعاملات مالی جهانی و... اشاره کرد.

همچنین ساختار به شرایط تقاضا نظیر بانک محور بودن اقتصاد کشور، وجود بازارهای تأمین‌مالی جایگزین، بازدهی سرمایه‌گذاری در بازارهای جایگزین بازار بانکی، حساسیت

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

سپرده‌گذاران به نرخ سود بانکی، میزان متقاضیان تسهیلات بانکی و تاثیر پذیری تقاضای تسهیلات بانکی از نوسانات اقتصادی بستگی دارد.

٦-١. دیدگاه‌های مختلف از پارادایم SCP

می توان سه دیدگاه را از تفسیر پارادایم SCP مشخص کرد .

اولین جریان فکری را مکتب ساختار گرا می‌نامند. ایده اولیه آن از اینجا ناشی می‌شود که ساختار صنعت، راهبردهای رفتاری بنگاه‌ها و سطح عملکرد حاصل شده را تعیین می‌نماید. این جبرگرایی ساختاری شدیدا بنگاه‌ها را محدود می کند به اینکه یک تیپ رفتاری و عملکردی خاصی را از خود نشان دهند. به عنوان مثال تمرکز بالا در یک صنعت (ساختار) رفتار تبانی و توافقات بر روی قیمت (رفتار) را آسان می‌نماید، رفتاری که نرخ سود بالا (عملکرد) را برای صنعت ایجاد می کند (Torres-Blay, 2000).

بر خلاف رهیافت ساختار گرا دومین جریان فکری که رفتارگرایی نامیده می‌شود اولویت را به رفتارهای بنگاه‌هایی می‌دهد که یک صنعت را تشکیل می‌دهند. صنعت به عنوان یک مجموعه سازمان یافته از بازیگرانی درک می‌شود که با تهیه راهبردهای کاملا انفرادی در ساختن ساختار صنعت سهیم می‌شوند. ساختار صنعت منجمد تصور نمی‌شود بلکه با تکامل پیوسته از اعمال بنگاه‌ها در حال ساخته شدن است. برای مثال نوآوری‌های صنعتی می‌توانند ساختار یک صنعت را تغییر دهند (ibid. p. 89).

همچنین می‌توان یک دیدگاه دولت مدار یا قدرت عمومی را پذیرفت که به عنوان یک مولفه قادر است به وضوح بر روی کلیه زنجیره‌های سری SCP تاثیر بگذارد. نرخ مالیات‌های اجباری یا بر عکس یارانه‌های اختصاص یافته به برخی شرکت‌ها عملکرد بنگاه را تغییر می‌دهند. همچنین میزان مالیات بر ارزش افزوده بر قدرت خرید مصرف‌کنندگان و از این رو شرایط اولیه تقاضا تاثیر می‌گذارد. علاوه بر این مقررات از نظر حقوق کسب و کار، حقوق تجاری یا حقوق کارگران چارچوب قضایی را برای رفتارهای راهبردی بنگاه‌ها تعیین می‌کنند. سیاست‌های مقررات زدایی، سیاست‌های خصوصی سازی و حق امتیازهای ویژه‌ای که تغییر ساختار صنعت را باعث می‌شوند

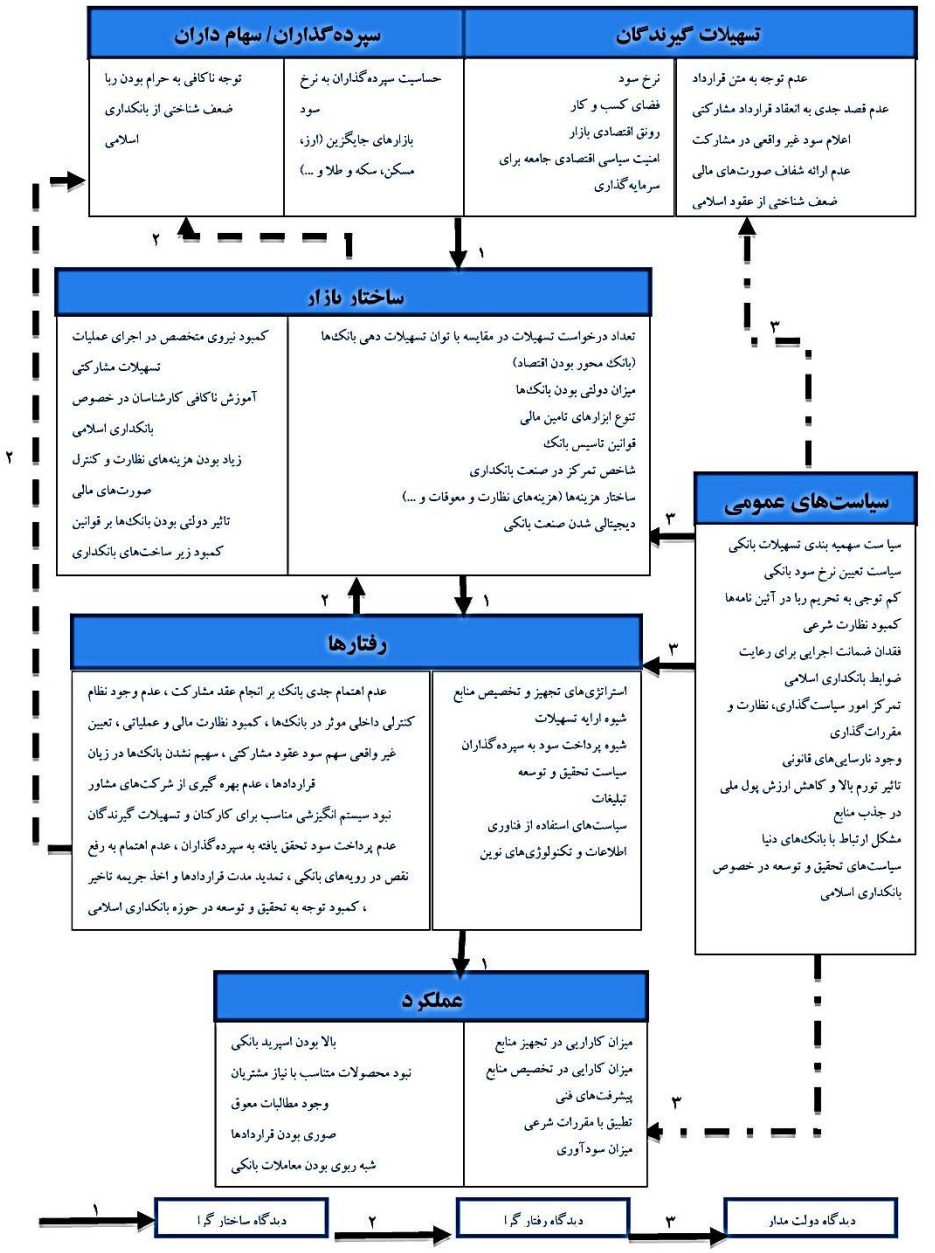
[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

همگی نقش اثرگذار دولت را در رفتار بنگاه‌ها نشان می‌دهد. در نهایت می‌توان یک دیدگاه نظام مند را پذیرفت که با توجه به روابط متقابل ساختار و صنعت و رفتارهای بنگاه‌ها، در این نظام صنعتی، هر متغیری بر روی دیگر متغیرها تاثیر می‌گذارد. اما قابل توجه است که سری SCP یک خلا مهمی در خود دارد و آن این است که ابعاد داخلی استراتژی بنگاه یعنی نقاط قوت و ضعف بنگاه‌ها را در نظر نمی‌گیرد (ibid. p. 90).

٦-۲. باز شناسایی جریان اثرگذار پارادایم SCP در نظام بانکی کشور

در این بخش با استفاده از مطالعات اقبال، اوصاف و خان (۱۹۹۸)، توتونچیان (۱۳۷۹)، موسویان (۱۳۸۹)، حاجیان (۱۳۹۰)، عباس زاده (۱۳۹۲)، محقق نیا (۱۳۹۲)، مطالعات پشتیبان طرح تحول نظام بانکی (۱۳۹۲) و طباطبائی و محمدی (۱۳۹۵) سعی شده است چالش‌های بانکداری اسلامی و مشخصه‌های بارز هریک از عناصر پارادایم SCP یعنی شرایط بازار سپرده‌گذاری و تسهیلات، ساختار بازار، سیاست‌های عمومی، رفتار و عملکرد نظام بانکی را شناسایی و در شکل (۱)خلاصه نماییم.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]



شکل ۱. موارد اثرگذار بر نظام بانکی کشور در قالب سه دیدگاه از چارچوب تحلیلی SCP

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

در شکل فوق هر سه جریان ساختار گرا، رفتار گرا و دولت مدار دیده می‌شود. در اینجا ما به دنبال تمیز جریان غالب از میان سه جریان فوق الذکر هستیم.[۱]

در **دیدگاه ساختار گرا،** شرایط بازار بر ساختار بازار تاثیر گذاشته، ساختار بازار که بخش عرضه خدمات را شامل می‌شود بر رفتارهای بنگاه‌ها تاثیر گذاشته و رفتار بنگاه‌ها عملکرد صنعت را می‌سازد. در حالیکه از مطالعه عناصر شکل(۱) چنین بر می‌آید که ویژگی‌های تسهیلات گیرندگان و سپرده‌گذاران بیشتر تحت تاثیر فضای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه است و ویژگی‌ها و معضلات مطرح شده در بخش ساختار بازار صنعت بانکی متاثر از شرایط بالادستی است. همچنین ساختار بازار لزوما شکل دهنده رفتار سیاستی بانک‌ها نیست. به عبارتی جریان ساختار گرا در این صنعت نمی‌تواند جریان غالب باشد.

در **دیدگاه رفتار گرا** اقتدار رفتاری بنگاه‌ها به گونه‌ای است که هم بر ساختار و هم بر شرایط بازار تاثیر می‌گذارد. اما همان‌طور که از موارد عنوان شده در شکل (۱) دیده می‌شود در صنعت بانکی کشور لزوما این رفتارها و سیاست‌های داخلی بانک‌ها نیست که ساختار بازار را شکل می‌دهد. اگر چه رقابت‌های نا سالم بانک‌ها در جذب منابع (تجهیز منابع با هزینه بالاتر)، و سعی در کسب سود بیشتر از بازار (ارایه تسهیلات ریسکی‌تر) می‌تواند منجر به عدم تعادل در مدیریت منابع بانک شده و در نهایت ورشکستگی‌های پی در پی بانک‌ها را رقم بزند که در این صورت انتظار می‌رود ادغام‌های بانکی و اکتساب بانک‌های ورشکسته توسط بانک‌های قدرتمندتر صورت گرفته و در نتیجه ساختار صنعت بانکی متمرکزتر شود. با این حال به دلیل ناخوشایند بودن دومینو ی ورشکستگی بانک‌ها در ایران و حمایت بانک مرکزی از بانک‌ها برای جلوگیری از اتفاق چنین رخدادی، نمی توان پذیرفت که ساختار بانکی تحت تاثیر رفتار رقابتی بانک‌ها متمرکزتر شود. یعنی نمی توان جریان رفتارگرا را برای این صنعت جریان غالب و اثرگذار برشمرد.

---

۱. برای شرح مبسوط این بررسی به فصل هشتم از گزارش طرح "بررسی رویه‌ها و الگوهای مطلوب تامین مالی مشارکتی در بانکداری اسلامی" که به مسوولیت نگارنده برای وزارت امور اقتصادی و دارایی انجام شده است، مراجعه شود.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

در **دیدگاه دولت مدار** که می‌توان آن را یک دیدگاه تکمیلی برای پارادایم SCP بر شمرد، سیاست‌های عمومی بر همه عناصر این سیستم تاثیر می‌گذارد . به عبارتی کم توجهی به تحریم ربا در آئین نامه ها، کمبود نظارت شرعی، فقدان ضمانت اجرایی برای اجرای ضوابط بانکداری اسلامی، سیاست‌های تعیین نرخ سود بانکی حتی برای عقود مشارکتی از عواملی هستند که در عدم رفع نارسایی‌های عرضه خدمات اسلامی از سوی بانک‌ها تاثیر بسزایی دارند . به عبارتی اگر بانک‌ها به رعایت ضوابط اسلامی از سوی نهاد بالادستی شان ملزم می‌شدند و یا برای عدم رعایت ضوابط شرعی در خدمات بانکی مواخذه می‌شدند، در طی زمان به اصلاح رویه‌های عملیاتیشان در اعطای تسهیلات اسلامی و توزیع سود واقعی فعالیت‌ها در بین سپرده‌گذاران همت می‌گماردند. از طرفی چنانچه سیاست‌های توسعه فرهنگ بانکداری اسلامی از سال‌های آغازین شکل گیری این نظام در صنعت بانکی کشور مورد اهتمام جدی قرار می‌گرفت، شاید اکنون سپرده‌گذاران مترصد جابه جایی سپرده هایشان برای کسب یک درصد بیشترسود علی الحساب نمی بودند. این در حالی است که بسیاری از همین سپرده گذاران در یکی دو دهه قبل از باز کردن هرگونه حساب پس اندازی که متضمن دریافت سود علی الحساب بود اکراه داشتند.

مطالعه عناصر و جریانات شکل(۱) نشان می‌دهد که اثر جریان دولت مدار بر جهت دهی رفتار سپرده‌گذاران و تسهیلات گیرندگان و ساختار بازار و رفتار راهبردی بانک‌ها و عملکرد آن، نسبت به دو جریان ساختارگرا و رفتارگرا بارزتر و پررنگ‌تر می‌باشد . این مشخصه فضای صنعت بانکی کشور است که می‌بایست در تعیین راهکار مناسب توسعه تأمین‌مالی مشارکتی مورد توجه خاص قرار گیرد.

۶-۳. بررسی اثر به کارگیری راهکارهای تأمین‌مالی مشارکتی در چارچوب تحلیلی SCP

تأثیر به‌کارگیری روش‌ها و راهکارهای تأمین‌مالی مشارکتی بر سپرده‌گذاران و تسهیلات گیرندگان، ساختار بازار، رفتار راهبردی بانک‌ها و عملکرد بانک در جدول ۱ بیان شده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

جدول ۱. تحلیل تاثیر به کارگیری راهکارهای تأمین‌مالی مشارکتی در چارچوب تحلیلی SCP

	راهکار	تاثیر بر محیط	تاثیر بر ساختار	تاثیر بر رفتار	تاثیر بر عملکرد
توسعه‌های قراردادی اصلاحات عملیاتی	استفاده از مشارکت متناقصه	-	افزایش تقاضای تسهیلات	گسترش تأمین‌مالی مشارکتی	افزایش سود بانک به ویژه در شرایط تورمی
	مشارکت حقوقی	-	-	حمایت مالی شرکت‌های بزرگ	کاهش هزینه نظارت
	درج مشوق‌های مالی حسن اجرای قرارداد در عقود مشارکتی (قراردادهای انگیزه سازگار)	گسترش صداقت، شفافیت مالی و اعتماد	گسترش سامانه‌های رتبه بندی و امتیازدهی تسهیلات گیرندگان	افزایش نظارت خودکنترلی در قراردادها	کاهش هزینه‌های نظارت در بلندمدت
	برون سپاری نظارت از طریق استفاده از شرکت‌های مشاوره	گسترش همکاری‌های برون سازمانی	کوچک شدن واحد نظارت داخل بانک	صرفه‌جویی در منابع انسانی بانک	کاهش صوری سازی عقود مشارکتی
	برون سپاری اعتبار سنجی مشتری و ارزیابی پروژه‌ها	-		صرفه‌جویی در استخدام نیروی انسانی بانک	کاهش ریسک تسهیلات مشارکتی
	برون سپاری حسابرسی	-	استفاده از منابع متخصص حسابرسی خارج از بانک	تمرکز بر حسابرسی عقود	افزایش سود بانک، کاهش صوری سازی عقود
	تفویض اختیار به واحدهای تسهیلات دهنده	-	گسترش ساختار غیرمتمرکز بانکی	مدیریت بانکی انگیزه محور	امکان افزایش سود آوری بانک
	به کارگیری ناظر ذی‌نفع (شرکت‌های سرمایه‌گذاری وابسته و یا مستقل از بانک)	-	امکان افزایش عرضه تسهیلات	صرفه‌جویی در منابع نظارتی درون بانکی	کاهش صوری سازی عقود، کاهش هزینه و منابع نظارت

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

	راهکار	تاثیر بر محیط	تاثیر بر ساختار	تاثیر بر رفتار	تاثیر بر عملکرد
	استفاده از صندوق‌های پروژه محور	گسترش فعالیت‌های مشارکتی	جذب سرمایه‌گذاران مشارکتی	تفکیک پذیری حسابهای پروژه‌ها	افزایش شفافیت حساب‌ها
	استفاده از صندوق کفالت برای مدیریت کامل پروژه	-	-	استفاده از تخصص خارج بانک	کاهش صوری سازی عقود، صرفه‌جویی در منابع نظارت بانکی
تغییرات بنیادی	به کارگیری پایگاه‌های داده برای نقش تسهیل‌گری ارتباطی	گسترش فرهنگ مشارکتی	گسترش تقاضا و عرضه سرمایه‌گذاری مشارکتی بخش خصوصی	افزایش گستره خدمات بانکی، گسترش نقش اجتماعی بانک در اقتصاد	تنوع خدمات بانکی، آزاد شدن بخشی از منابع بانکی
	سرمایه‌گذاری مشارکتی در تأمین‌مالی زنجیره تأمین	گسترش فعالیت‌های مشارکتی	کاهش تقاضاهای انفرادی تسهلات شرکت‌های زنجیره تأمین	گسترش نقش اجتماعی بانک در اقتصاد	آزاد شدن منابع بانکی
	سرمایه‌گذاری مشارکتی در تأمین‌مالی خوشه‌های صنعتی	گسترش فعالیت‌های مشارکتی	سرمایه‌گذاری‌های استراتژیک	گسترش نقش اجتماعی بانک در اقتصاد	-
	ایجاد صندوق‌های مشترک با اتحادیه‌ها و اصناف	گسترش فرهنگ مشارکتی	سرمایه‌گذاری‌های استراتژیک استفاده از منابع صندوق برای رفع نیازهای مالی اصناف	عدم تمرکز در اعطای تسهیلات	آزاد شدن منابع بانکی، کاهش هزینه‌های نظارتی بانک

مأخذ: نتایج تحقیق

بررسی و تحلیل موارد ذکر شده در جدول (۱) نشان می‌دهد که هر یک از راهکارها در یک یا چند جنبه ذیل می‌تواند در رفع یا کاهش کاستی‌های موجود تأمین‌مالی مشارکتی مؤثر باشد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

الف) راهکارهای رفع کمبود نیروی متخصص بانکی در اجرای قراردادهای تسهیلات مشارکتی: یکی از مسایل موجود برای اجرای صحیح عقود مشارکتی عدم وجود نیروی متخصص کافی در ارزیابی پروژه‌ها، اعتبارسنجی متقاضیان تسهیلات، نظارت و حسابرسی و مدیریت قراردادها می‌باشد. این گونه مسایل عمدتا از طریق برون سپاری فعالیت به خارج از بانک و استفاده از نیرو و توان تخصصی خارج از بانک قابل حل می‌باشد. اما توانایی تمرکز زدایی فعالیت توسط بانک و پذیرش استراتژی کوچک کردن اندازه بانک‌ها و وجود ظرفیت تخصصی در خارج از بانک شرط لازم برای عملی شدن این نوع راهکارها می‌باشد. این راهکارها عمدتا عبارتند از:

- برون سپاری نظارت از طریق استفاده از شرکت‌های مشاوره
- برون سپاری اعتبار سنجی مشتری و ارزیابی پروژه‌ها
- برون سپاری حسابرسی
- استفاده از صندوق کفالت برای مدیریت کامل پروژه

ب) راهکارهای رفع صوری شدن عقود مشارکتی: از جمله مشکلاتی که نظام بانکی ما با آن روبروست، مسأله صوری بودن عقود است. این مسأله در راهکارهای ذیل امکان رفع می‌یابد. مگر اینکه سیستم بانکی حتی در چارچوب این راهکارها هم به شیوه متعارف (پرداخت تسهیلات با نرخ مشخص) بخواهد عمل کند.

- مشارکت متناقصه
- مشارکت حقوقی
- به کارگیری ناظر ذی‌نفع (شرکت‌های سرمایه‌گذاری وابسته و یا مستقل از بانک)
- استفاده از صندوق‌های پروژه محور
- استفاده از صندوق کفالت برای مدیریت کامل پروژه

ج) راهکارهای کاهش بانک محوری نظام تأمین‌مالی: یکی از خصیصه‌های بارز نظام تأمین‌مالی کشور بانک محوری است. بیش از ۹۰ درصد تأمین‌مالی فعالیت‌های اقتصادی کشور از

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

کانال بانک‌ها برآورده می‌شود. به گونه‌ای که منابع بانک پاسخگوی حجم بالای تسهیلات خواهی متقاضیان نمی‌باشد. برخی از راهکارهای پیشنهادی در این پژوهش امکان مشارکت بیشتر بخش غیربانکی را در تأمین نقدینگی فعالیت‌های اقتصادی فراهم می‌آورد و به عبارتی از فشار وارده بر بانک‌ها از این جهت می‌کاهد. اما وجود توانمندی‌های تخصصی و فنی و مدیریتی لازمه عملیاتی شدن چنین راهکارهایی می‌باشند. راهکارهای ذیل از این دسته اند:

- به کارگیری پایگاه‌های داده برای نقش تسهیل‌گری ارتباطی
- مدیریت مالی زنجیره تأمین
- ایجاد صندوق‌های مشترک با اتحادیه‌ها و اصناف
- به کارگیری ناظر ذی‌نفع (شرکت‌های سرمایه‌گذاری وابسته و یا مستقل از بانک)
- استفاده از صندوق‌های پروژه محور

د) تغییر فرهنگ مشارکت: تدوین قراردادهای انگیزه سازگار یکی از شیوه‌هایی است که در بلندمدت فضای مشارکتی بین تسهیلات گیرنده و بانک را به سمت اعتماد، صداقت و شفافیت هدایت می‌کند و هزینه‌های نظارتی بانک را در بلندمدت کاهش می‌دهد. این راهکار یکی از مناسبترین راهکارهایی است که از تغییر در استراتژی رفتاری بانک یعنی اصلاح قراردادهای مشارکتی از طریق رعایت انگیزه ذی‌نفعان، باعث می‌شود محیط فرهنگی و رفتار تسهیلات گیرندگان تحت تاثیر قرار گیرد. برای تحقق چنین امری وجود سامانه‌های رتبه بندی و امتیازدهی تسهیلات گیرندگان و ضمانت اجرایی بندهای قرارداد لازم می‌باشد.

۷. تقسیم‌بندی زمانی راهکارهای تأمین‌مالی مشارکتی براساس قابلیت اجرا

در این بخش براساس میزان سهولت به کارگیری راهکارهای پیشنهادی تأمین‌مالی مشارکتی که به عواملی نظیر توانمندی تخصصی، عملیاتی و مدیریتی بانک‌ها، سرمایه اجتماعی و فضای فرهنگی موجود در جامعه بستگی دارد، امکان به کارگیری راهکارها را در سه دوره زمانی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت طبقه بندی می‌کنیم.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

۷-۱. راهکارهای کوتاه مدت (قابل اجرا با توانمندی‌های موجود)

منظور از راهکارهای کوتاه مدت راهکارهایی است که نیاز به ایجاد و یا کسب منابع و توانمندی جدیدی در بانک‌ها نیست . در این بین می‌توان از راهکارهای زیر نام برد :

- استفاده از مشارکت متناقصه،
- استفاده از مکانیسم‌های انگیزشی حسن اجرای قرارداد در عقود مشارکتی
- استفاده از صندوق‌های پروژه محور

۷-۲. راهکارهای میان مدت (قابل اجرا با کسب برخی توانمندی‌های عملیاتی و مدیریتی)

منظور از راهکارهای میان مدت راهکارهایی است که بانک می‌بایست به منظور جبران کاستی‌ها در منابع و توانمندی عملیاتی و مدیریتی خود و ایجاد بهبود در اجرای عقود مشارکتی، اندکی در رویه‌های عملیاتی و مدیرتی خود تغییر ایجاد کند. عمده این موارد ناظر بر استفاده از توانایی‌هایی خارج از سازمان است. برای این منظور هم بانک می‌باید از توانایی مدیریتی جدیدی برای ارتباط و مدیریت منابع خارج از سازمان برخوردار باشد و هم باید این توانایی و قابلیت اعتماد به آن در خارج از سازمان وجود داشته باشد. راهکارهای ذیل از آن جمله اند:

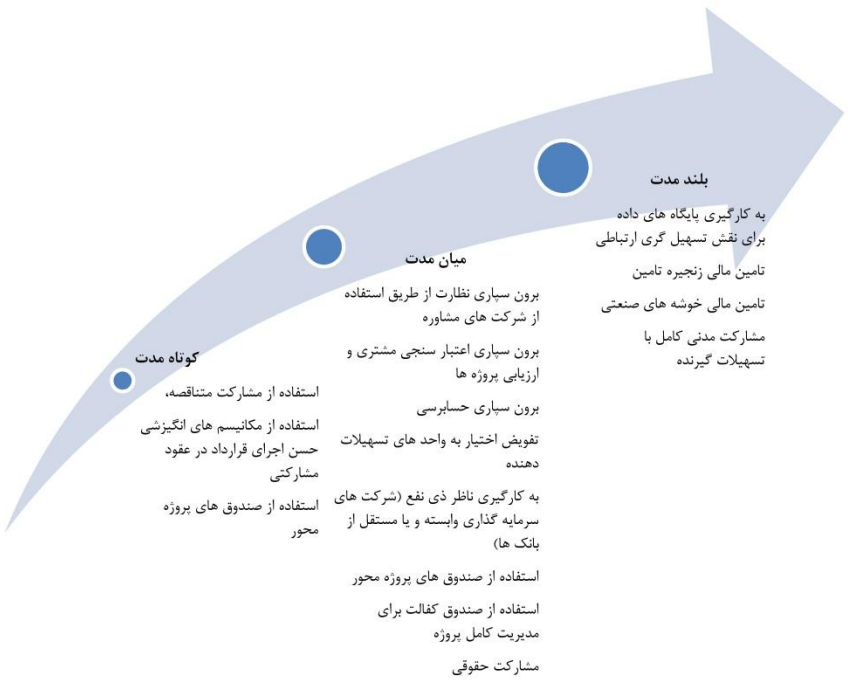
- مشارکت حقوقی
- برون سپاری نظارت از طریق استفاده از شرکت‌های مشاوره
- برون سپاری اعتبار سنجی مشتری و ارزیابی پروژه‌ها
- برون سپاری حسابرسی
- تفویض اختیار به واحدهای تسهیلات دهنده در بانک (با مکانیسم انگیزشی مالی)
- به کارگیری ناظر ذی‌نفع (شرکت‌های سرمایه‌گذاری وابسته و یا مستقل از بانک‌ها)
- استفاده از صندوق کفالت برای مدیریت کامل پروژه

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

۷-۳. راهکارهای بلند مدت (قابل اجرا با کسب توانایی تخصصی وفنی و سرمایه اجتماعی بالا)

منظور از راهکارهای بلندمدت راهکارهایی است که توانایی‌های تخصصی و فنی و سرمایه اجتماعی بالایی را می‌طلبد. بدیهی است که فراهم شدن این زیرساختها نیازمند زمان است. موارد ذیل از آن جمله اند:

- به کارگیری پایگاه‌های داده برای سهولت ارتباط بین سپرده‌گذار و تسهیلات گیرنده
- سرمایه‌گذاری مشارکتی در تأمین‌مالی زنجیره تأمین
- سرمایه‌گذاری مشارکتی در تأمین‌مالی خوشه‌های صنعتی
- ایجاد صندوق‌های مشترک با اتحادیه‌ها و اصناف
- مشارکت مدنی کامل با تسهیلات گیرنده



شکل ۲. تقسیم‌بندی زمانی راهکارهای گسترش تأمین‌مالی مشارکتی

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

۸. جمع بندی و نتیجه گیری

این پژوهش که با هدف پیدا کردن مناسبترین راهکار برای توسعه تأمین‌مالی مشارکتی در نظام بانکی کشور شکل گرفت، به منظور بهره‌گیری از یک چارچوب تحلیلی چندجانبه نگر از پارادایم SCP برای شناسایی ماهیت فضای بانکی کشور و تحلیل اثر به کارگیری هر یک از راهکارهای تأمین‌مالی مشارکتی بر عناصر مختلف این سیستم از جمله سپرده‌گذاران و تسهیلات گیرندگان، ساختار بازار، رفتار راهبردی بانک‌ها و عملکرد سیستم بهره گرفت.

در این مقاله اثر به کارگیری راهکارهای بیان شده توسط محققان و پیشنهادات خاص این تحقیق برای تأمین مالی مشارکتی در چارچوب پارادایم (SCP) بررسی شد. این راهکارها به سه دسته: **الف) توسعه‌های قراردادی، ب) اصلاحات عملیاتی و ج) تغییرات بنیادی یا ساختاری** طبقه بندی شده و تأثیر به‌کارگیری آن‌ها بر سپرده گذاران و تسهیلات گیرندگان، ساختار بازار، رفتار راهبردی بانک‌ها و عملکرد بانک تحلیل شد. جمع بندی این تحلیل نشان می‌دهد که هر یک از راهکارها در یک یا چند جنبه ذیل می‌تواند مؤثرباشد:

- رفع کمبود نیروی متخصص بانکی در اجرای قراردادهای تسهیلات مشارکتی
- رفع صوری شدن عقود مشارکتی
- کاهش بانک محوری نظام تأمین مالی
- تغییر و بهبود فرهنگ مشارکت

امکانپذیری تحقق راهکارهای پیشنهادی براساس تطابق با شرایط محیطی، توانمندی و تخصص‌های موجود نظام بانکی، توجه به انگیزه ذی نفعان و سهولت در پیاده سازی به سه دوره زمانی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت طبقه بندی شد. به منظور انتخاب راهکار ترجیحی از میان راهکارهای معرفی شده توجه به فضای محیطی و ماهیت عملکردی بانکداری اسلامی کشور اهمیت می‌یابد.

تحلیل SCP صورت گرفته برای شناسایی جریان غالب از میان سه جریان ساختار گرا، رفتار گرا و دولت مدار در صنعت بانکی کشور نشان داد که جریان غالب در این صنعت دولت مدار

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

می‌باشد. یعنی نقش غالب نهادهای سیاست‌گذار در این حوزه بر کلیه عناصر آن مشهود است. به عبارتی رفتار سپرده‌گذاران، تسهیلات گیرندگان و عوامل بانکی بسیار متاثر از سیاست‌ها، قوانین و آیین نامه‌های بانکی و توان نظارتی نهادهای ذیربط می‌باشد. تکرار چندین و چند ساله بیان مشکلات در مطالعات محققان، نشان از عدم همت و باور کافی برای رفع موانع بانکداری اسلامی در سطح اثرگذاران این صنعت دارد. فضای حاکم بر عملکرد کارشناسان بانکی متاثر از چنین محیطی است به گونه‌ای که الزامی برای رعایت اصول عقد مشارکت و تس‌هیم سود و زیان دیده نمی شود. بلکه آنچه صورت می‌گیرد تطابق با آیین نامه های موجود برای تکمیل فرم ها، امضای قرارداد، اعطای تسهیلات و اخذ اصل و فرع تسهیلات است.

با توجه به بستر فرهنگی و اجتماعی کنونی جامعه و صنعت بانکی و عدم عزم جدی برای اصلاح آن، راهکارهایی در اولویت قرار می‌گیرند که با کمترین امکانات و کمترین مقاومت در برابر تغییر، امکان اصلاح فرهنگ استفاده از تس‌هیلات مشارکتی را در جامعه فراهم نمایند. بر این اساس، از میان راهکارهای معرفی شده **استفاده از مکانیسم‌های انگیزشی یا تدوین قراردادهای تسهیلات مشارکتی انگیزه سازگاری** که بتواند منافع تسهیلات گیرنده را تأمین نموده و و به دلیل برخورداری از مکانیسم خود کنترلی در توان اجرایی و نظارتی بانک صرفه جویی نماید، در اولویت قرار می‌گیرد . به ویژه که این قراردادها در بلندمدت می‌تواند فضای مشارکتی بین تسهیلات گیرنده و بانک را به سمت شفافیت، صداقت و اعتماد سوق دهد . در این راستا به‌ره گیری از سامانه های رتبه بندی و امتیازدهی تس‌هیلات گیرندگان می‌تواند کمک شایانی به پایبندی به مفاد قراردادهای مشارکتی نماید.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

منابع

احمدی حاجی آبادی، سید روح الله و احمد بهاروندی (۱۳۸۹)، "راهکارهای اجرای صحیح عقدهای مشارکتی در نظام بانکی ایران"، *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، سال دهم، شماره۳۸.

اقبال، منور و احمد اوصاف و طریق الله خان (۱۹۹۸)، *چالش‌های پیش روی بانکداری اسلامی*، مترجمان: حسین میسمی و مسلم بمانپور، انتشارات دانشگاه امام صادق، چاپ دوم.

بهاروندی، احمد و سید روح الله احمدی حاجی‌آبادی (۱۳۹۱)، "خطر اخلاقی و ارائه الگوی کاربردی کاهش آن در عقود مشارکتی"، *فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای اقتصادی ایران*، سال‌نهم، شماره ۱۷.

توتونچیان، ایرج (۱۳۷۹)، *پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه ای*، انتشارات توانگران.

حاجیان، محمد رضا (۱۳۹۰)، *موانع و مشکلات اجرای عقود مشارکتی در نظام بانکی کشور*، انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

خمینی، روح الله (۱۳۶۷)، *تحریرالوسیله*، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، ج ۳، دفتر انتشارات اسلامی

شعبانی، احمد و سجاد سیفلو (۱۳۹۰)، "مقایسه تطبیقی بانکداری وکالتی و مشارکتی و ارائه راهکارهای جدید"، *معرفت اقتصاد اسلامی*، سال سوم، شماره ۵.

شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۳۸۸)، *شرح لمعه دمشقیه*، ترجمه عباس زراعت، انتشارات موسسه فرهنگی هنری دانش پذیر

صفاریان طوسی، مهدی و مهدی خدایی (۱۳۹۵)، مشارکت مدنی در بانکداری اسلامی، انتشارات شاملو، چاپ اول.

طباطبائی، سید محمد جواد و پرستو محمدی (۱۳۹۵)، "استفاده از برون سپاری جهت بهبود چالش‌های بانکداری اسلامی"، *فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، شماره هفدهم

عباس زاده، حسن (۱۳۹۲)، "بانکداری اسلامی:چالش ها و راهبردها"، *سایت اقتصاد آنلاین*، قابل دستیابی در:

www.eghtesadonline.com/fa/content/21144-راهبردها-و-چالشها؛-اسلامی-بانکداری/

محقق نیا، محمد جواد (۱۳۹۲)، *ساختار بانکداری اسلامی و ارائه الگویی برای بانکداری اسلامی در ایران*، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۴)، *طرح قانون «یک فوریت» عملیات بانکی بدون ربا*. قابل بازیابی در:
http://new.mbri.ac.ir/Default.aspx?pagename=islamicbankingpages&id=181708&Language=1

موسویان، سید عباس (۱۳۸۹)، *اصلاح قانون و الگوی عملیاتی بانکداری بدون ربا*، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی

میسمی، حسین و مصطفی شهیدی نسب (۱۳۸۹)، "بررسی تجربه تأمین‌مالی خرد اسلامی در کشور سریلانکا"، *تازه‌های اقتصاد*، شماره ۱۲۸.

نصر آبادی، داوود و احمد شعبانی(۱۳۸۷)، "چالش‌های بانک در اجرای قرارداد مشارکت در سود و زیان و راهکارهای آن"، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، سال اول، شماره اول.

نظر پور، محمد نقی و اکبر کشاورزیان پیوستی (۱۳۹۲)، "الزامات احیای عقد مشارکت حقوقی راهبردی برای تحقق بانکداری PLS در نظام بانکداری بدون ربا"، *فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی*، سال دوم، شماره هفتم

نظر پور، محمد نقی و یحیی لطفی نیا (۱۳۹۴)، "اجرای صحیح تسهیلات مشارکتی در بانکداری اسلامی به کمک صندوق‌های پروژه محور"، *فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات مالی اسلامی*، سال چهارم، شماره اول.

وزارت امور اقتصادی و دارایی(۱۳۹۲)، *مطالعات پشتیبان طرح تحول نظام بانکی*، وزارت امور اقتصادی و دارایی.

Qureshi J., and G.M. Herani (2011). The Role of Small and Medium-size Enterprises (SMEs) in the Socio-economic Stability of Karachi. Online at *http://mpra.ub.uni-muenchen.de/35624/*

Rostom A. (2015). *Opportunities for SMEs in the New Era of Islamic Financing*. Kuala Lumpur: World Bank.

Torres-Blay (2000). *Economie D'Entreprise: Organisation et Sterategie a l'aube de la nouvelle economie*, Economica.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]